

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال چهارم، شماره هفتم، پاییز و زمستان ۹۲، صفحات ۱۷۳-۱۹۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۳۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۰۸/۲۰

دارالعلم‌های دوره آل بویه و نقش آن در شکوفایی و ارتقاء علم و دانش

ذکرالله محمدی^۱

محسن پرویش^۲

چکیده

مقاله حاضر درصدد توصیف و تبیین دارالعلم‌های دوران آل بویه و نقش آن در توسعه و ارتقاء علم و دانش از یک سو و گسترش فرهنگ عمومی از سوی دیگر است. آل بویه از ابتدای حکومت و همزمان با تثبیت قدرت خویش به فعالیت‌های علمی و فرهنگی نیز روی آوردند؛ زیرا افزون بر این که یکی از پایه‌های اساسی استمرار قدرت و اقتدار، علم و تقویت فرهنگ عمومی با رویکردی عالمانه است، برای جلوگیری از انفعال در برابر رقیبان سیاسی و علمی باید استقلال علمی و متکی به فرهنگ غنی بومی خویش را تقویت می‌کردند.

آل بویه بیشترین تلاش خویش را در پی ریزی یک شاکله مستحکم علمی با تمام جوانب از نظر ساختاری، محتوایی، و نخبه پروری مبذول داشتند. آنان برای تحقق اهداف خود، مراکز آموزشی و پژوهشی فراوانی مانند کتابخانه‌های عظیم و مدارس تأسیس کردند و امکانات مادی و معنوی بسیاری را در این مسیر صرف نمودند. در دوران مذکور، مؤسسات و مراکز علمی، فرهنگی و دینی دیگری هم با عنوان دارالعلم تأسیس شدند که داشتن کتاب و کتابخانه برای پیشبرد و تسهیل امور آنها ضروری می‌نمود. در این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی بخشی از این حوزه‌ی تاریخی، یعنی وضعیت دارالعلم‌ها در آن دوره مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: دارالعلم‌ها، آل بویه، عالمان دوره‌ی آل بویه، ارتقاء علم و دانش.

zkmohammadi@yahoo.com

۱- استادیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)

۲- دانشجوی دوره دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) mohsen.parvish@yahoo.com

The role of Darolelms of Buyid Dynasty in promoting Knowledge

Z. Mohammadi¹

M. Parvish²

Abstract

The present paper is an attempt to describe and determine the role of Darolelms of Buyid Dynasty (Al-e Buye) in promoting knowledge on the one hand and in developing public culture on the other hand. The Buyids tended to hold cultural and scientific activities right after seizing power. This is mainly because not only one of the main reasons of preserving continuity and power was coupled with science and boosting public culture with scholarly approach, but also scientific independency and relying on local rich culture would prevent passivity against political and scientific rivals.

Al-e Buye made an effort to lay a robust foundation of science in all aspects of structure, content, and talent-nurturing. In so doing, they established many educational and research centers such as libraries and schools which all took many intellectual and material facilities. In the same era, some other scientific, cultural, and religious institutions like Darolem were founded as well. The necessity of having a library made it essential to go further to build it sooner. The present paper employing a descriptive-analytical methodology provided a focus on part of this historical field i.e., the functions of Darolelms in Buyid Dynasty.

Keywords: Darolelms, Buyid, The scholars of Buyid Dynasty, Promoting knowledge.

1 - Assistant Professor of History University of the International University of Imam, Qazvin
zkmohammadi@yahoo.com

2 - PhD student of International University of Imam, Qazvin.
mohsen.parvish@yahoo.com

مقدمه

عصر آل بویه بی‌گمان اوج دورانی بود که آن را «رنسانس اسلامی» نامیده‌اند و از بسیاری جهات دوره عظمت و شکوفایی فرهنگ اسلامی در قرون اولیه هجری محسوب می‌شود. این عصر را از نظر وسعت و رواج علم و ادب شاید بتوان ممتازترین عصرهای اسلامی به حساب آورد. در دوره‌ی آل بویه - که یکی از درخشان‌ترین دوران علمی، ادبی و فرهنگی تاریخ ایران و حتی جهان اسلام به حساب می‌آید - به همت و حمایت امراء و وزرای دانش دوست آن سلسله؛ مانند عضدالدوله، شرف‌الدوله، ابوالفضل و ابوالفتح؛ پسران عمید، صاحب بن عباد، شایور بن اردشیر، ابن سعدان و ... کتابخانه‌ها و دارالعلم‌هایی تأسیس شد که در هر یک از آنها، هزاران جلد کتاب از علوم و فنون مختلف جمع‌آوری گردید. پرسش‌هایی که در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به آن هستیم به شرح زیر است:

اساساً کارکرد و نقش دارالعلم‌ها در جامعه‌ی آنروز چه بوده است؟ این دارالعلم‌ها چه نقشی در توسعه و ارتقای دانش و جذب دانشمندان در دوران آل بویه داشته است؟

فرضیه پژوهش بر این امر استوار است که دارالعلم‌های مذکور در سایه‌ی حمایت حاکمان، وزراء و عالمان آن دوره تأسیس گردیده و آنها نیز در توسعه و ارتقای فرهنگ و تمدن جامعه‌ی ایرانی - اسلامی مؤثر واقع شدند.

هدف: این پژوهش بر آن است تا با نگاهی تحلیلی - توصیفی، دارالعلم‌های آل بویه و چگونگی شکل‌گیری و علل رشد و افول، نحوه اداره، مدیریت و سازمان و طبقه‌بندی و تأثیرات آنها بر گسترش علم و دانش را مورد مطالعه قرار دهد.

پیشینه پژوهش: در زمینه موضوع مقاله حاضر برغم وجود مطالب گسترده و پراکنده در منابع اصلی یا بعضی تحقیقات اخیر، اما پژوهشی منسجم و مستقل مبتنی بر بررسی دارالعلم‌های آل بویه و نقش آن بر گسترش علم و دانش انجام نگرفته است. فقط آقای محمدکریمی زنجانی اصل در کتاب دارالعلم‌های شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام کوشیده است ساختار و نحوه عملکرد دارالعلم‌ها به عنوان سازمان‌هایی فرهنگی را بازگو نماید. همچنین ایشان به ارائه چشم‌اندازی کلی از نقش و جایگاه موسسات فرهنگی شیعه در

جریان نوزایی فرهنگی در جهان اسلام در سده‌های چهارم و پنجم هجری، می‌پردازند. حمید رضا جلالی محمودی در مقاله کتابخانه‌های و مؤسسه‌های آموزش عالی دوران آل بویه ۹۴۶ تا ۱۰۵۵ م به اختصار به معرف برخی کتابخانه‌ها و نهادهای علمی این دوران می‌پردازد. دکتر ذکرائه محمدی و محسن پرویش در مقاله جایگاه و اهمیت کتاب و کتابخانه در عصر آل بویه و نقش آن در تولید علم و دانش ضمن معرفی کتابخانه‌های آل بویه و تشکیلات سازمانی آن اشاره مختصری هم به دارالعلم شاپوربن اردشیر دارند.

مفهوم یا اصطلاح دارالعلم

واژه دارالعلم از دو جزء دار و علم تشکیل شده است. دلغت فقها «دار» به محلی شامل چند «بیت» و یک صحن اطلاق می‌شود و در واقع بیت بخشی از یک دار است (کریمی زنجانی، ۱۳۸۹: ۱۶). واژه علم نیز در جهان اسلام برای مشخص کردن انواع مختلف آگاهی بکار رفته و همراه با توسعه جهان اسلام، برحسب گرایش‌های مختلف فرهنگی معانی آن نیز گسترده‌تر شده است (نصر، ۱۳۵۹: ۵۳).

بدین ترتیب دارالعلم به مجموعه‌ای فرهنگی و تشکیل یافته از یک یا چند تالار، یک کتابخانه و اتاق‌های دیگری با موارد استفاده مختلف، اطلاق می‌شده است (متز، ۱۳۶۲: ۲۰۵-۲۰۷). علاوه بر تعریف واژه‌شناختی آن باید گفت دارالعلم‌ها مؤسسه‌ای بوده‌اند با ویژگی‌هایی خاص که مهمترین این ویژگی‌ها عبارتند از: (۱) وقفی بودن (۲) استقرار آن‌ها در مکانی خاص و در ساختمانی مستقل (۳) عمومی بودن کتابخانه‌ی آن‌ها (۴) برگزاری جلسات بحث و درس و مناظره در محل (۵) برخورداری از فضایی برای اسکان استادان و دانشجویان مشغول به کار استنساخ و پژوهش در آن‌جا (حاج سید جوادی، ۱۳۷۸: ۴۰۰).

به عبارتی می‌توان دارالعلم را این گونه تعریف کرد که مرکزی شبیه مدارس شبانه روزی و دانشگاه‌ها بوده که تمام امکانات زندگی و مطالعه و آموزش را در خود داشته است. دانشمندان و افراد شاغل در آن به کار خواندن، نوشتن، استنساخ کتابها، ترجمه، صحافی و وراقی می‌پرداختند. در این مراکز محلی هم برای سکونت و زندگی افرادی در نظر گرفته شده بود که مسول حفاظت از کتابخانه و مرکز بودند و همگی از حقوق و مواجب برخوردار بودند.

در آن دوران این مراکز توسط وزیران و دانشمندان وابسته به حکومت اداره می‌شد و استفاده از آن برای عموم آزاد بوده است. بنابراین، آشکار می‌شود که دارالعلم‌ها به عنوان موسساتی فرهنگی، در واقع نهادهای واسطی میان خزانه الحکمه‌ها و مدارس محسوب می‌شده‌اند و در هنگام روبه زوال رفتن بیت الحکمه نشر دانش را برعهده داشتند (کرمر، ۱۳۷۵: ۵۵-۵۶).

زمینه‌ها و چگونگی شکل‌گیری دارالعلم‌ها

در اواخر قرن سوم و در اوایل قرن چهارم هجری که بیت الحکمه‌ها رو به انحطاط گذاشتند، کتابخانه‌هایی به وجود آمدند که می‌توان آنها را شکل ابتدایی کتابخانه‌های عمومی امروزی دانست. البته دارالعلم‌ها کتابخانه نبودند، ولی کتابخانه‌ها رکن اصلی آن را تشکیل می‌دادند. به همین دلیل به آنها دارالکتب می‌گفتند (یوسف، ۱۳۷۲: ۳۹۴). تأسیس این کتابخانه‌ها همزمان با تصدیق فقها مبنی بر قانونی بودن وقف کتاب و مصادف با اوج فعالیت‌های علمی مسلمانان بود. لازم به یادآوری است که رسم وقف کتاب ابتدا مختص وقف مصاحف و قرآن مجید به مساجد بود؛ با عام شدن وقف کتاب، کتابخانه‌های دارالعلم‌ها کلاس‌های درس و بحث نیز تشکیل می‌شد. در کتابخانه‌های دارالعلم به روی همه باز بود، بنابراین می‌توان آنها را مادر کتابخانه‌های مدارس دانست که بعدها بنا نهاده شدند (طوطح، ۱۴۰۳ق: ۳۰).

این مراکز نیز با پشتوانه‌ی مالی خصوصی و موقوفات شخصی اداره می‌شد. گروهی از دانشمندان برای گفت‌وگو یا ایراد سخنرانی‌های علمی در آن جا حضور می‌یافتند و غالباً از سوی دانشجویان و کسانی دیگر که برای مطالعه و کسب دانش و گوش فرا دادن به پرسش‌های علمی برای حل مشکلات و معضلات خود در این مراکز اجتماع می‌کردند، مورد مشورت قرار می‌گرفتند. از این رو دارالعلم این نام جدید را در کنار عنوان قدیم که همان دارالحکمه یا بیت الحکمه بود، برای خود محفوظ نگاه داشت و این همان نامی بود که از عصر اول عباسی بر کتابخانه‌ها اطلاق گردید. پیدایش دارالعلم‌ها به منزله گامی وسیع و گسترده به سوی تکوین دانشگاه اسلامی و یکی از مراحل تحول و پیشرفت آن بوده است. مدارس سنی قرن پنجم هجری هم شیوه تأسیس کتابخانه‌های وابسته به مدرسه را از همین مراکز (دارالعلم) اقتباس کردند (غنیمه، ۱۳۷۷: ۹۹-۱۰۰).

کهن‌ترین دارالعلم‌ها از آن ابوالقاسم جعفر بن محمد موصلی (م ۳۲۴ ه ق) از ادیبان و فقیهان بنام شافعی در موصل بوده است (سعید، ۱۹۸۲: ۱۹۲). که کتبی از همه رشته‌های علمی گردآوری کرده بود (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۱۳۹). این فقیه توانگر چنان موقوفاتی برای این دارالعلم نهاد که هر دانشجویی می‌توانست با استفاده از نوشت افزار و کمک هزینه‌ی نقدی در آنجا مقیم شود و از کتابخانه‌ی موقوفه‌ی آن استفاده نماید. موصلی هر روز برای تدریس در این دارالعلم حضور می‌یافت و از کتابهای خود دانشجویان را تعلیم می‌داد (همان، ۹۲).

درهای این دارالعلم‌ها به روی همه و حتی افراد غیربومی باز بود حتی در مواردی، برای آن‌ها در قیاس با افراد بومی، تسهیلات بیشتری نیز فراهم می‌شد و امکاناتی مانند مکان سکنی گزیدن و مستمری کافی و نیز قلم و دوات و کاغذ در اختیارشان نهاده می‌شد تا بتوانند از آثار مورد نیاز، یعنی از شاهکارهای علمی و ادبی عصر، نسخه‌برداری کنند، آثاری که توسط خطاطان بسیار مشهور و یا دانشمندان فرزانه عصر نگاشته و استنساخ شده و در کتابخانه‌ی دارالعلم‌ها موجود بود (کریمی زنجانی، ۱۳۸۹: ۱۹).

چنان‌که گفته شد کتابخانه‌ی هر دارالعلم در عین آن‌که بخش قابل توجه و مهمترین قسمت آن را تشکیل می‌داد، در حقیقت، فقط جزئی از آن محسوب می‌شد، چرا که در دارالعلم‌ها، افزون بر خدمات کتابداری، فعالیت‌های علمی دیگری نیز در جریان بود (همانجا). بی‌شک در پی نفوذ آل‌بویه در دستگاه خلافت و به قدرت رسیدن شیعیان، نهضت علمی جهان اسلام وسعت قابل ملاحظه‌ای یافته و نیاز به وجود کتابخانه‌های عمومی و مؤسساتی برای تبلیغ و ترویج علوم مختلف و به‌ویژه معارف شیعی، به شدت احساس می‌شده است (کرمر، ۱۳۷۵: ۲۰۰-۲۰۱). دارالعلم‌های آن دوره، تا حدود زیادی چنین رسالت مهمی را بردوش گرفته بودند.

دارالعلم شاپورین اردشیر

یکی از نخستین دارالعلم‌های دوره‌ی آل بویه، که با مشخصات مذکور همخوانی داشت، دارالعلم شاپورین اردشیر بود که در منطقه بین السورین محله کرخ بغداد تاسیس شد. بدون تردید در سده‌ی چهارم هجری، بزرگترین و مهمترین پایگاه تشیع در بغداد، یعنی در مرکز

خلافت عباسی، محله‌ی «کرخ» بود که به‌گفته‌ی یاقوت، منحصراً محل سکونت شیعیان بود (یاقوت حموی، ۱۳۹۹ق: ذیل واژه‌ی کرخ بغداد).

کرخ بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پایگاه تشیع در عراق و سراسر قلمرو خلافت عباسی بود و شیعیان اعتبار خاصی برای آن قایل بودند. آرامگاه امام موسی کاظم علیه السلام، که پیش از شهادت در آن‌جا زندانی بود (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۳۵۰) و آرامگاه امام محمدبن علی موسی علیه السلام، امام نهم، در آن محله قرار داشت. مسجد برائا که به اعتقاد شیعیان، امام علی علیه السلام در آن‌جا نماز به جای آورده بود و شیعیان احترام زیادی برای آن قایل بودند نیز در آن محله بود (یاقوت الحموی، ۱۹۶۵م: ج ۳، ۵۳۳). همین عوامل و نزدیکی آن محله به سایر مقابر ائمه باعث تراکم شیعیان در آن محله می‌شد.

شاپور بن اردشیر وزیر بهاءالدوله، که اصالتاً ایرانی و شیعی مذهب بود، این محله را به سبب اعتبار خاص آن در نزد شیعیان، برای تأسیس دارالعلم خویش برگزید. او پس از خرید ساختمانی در منطقه‌ی بین‌السورین (ابن الجوزی، ۱۴۱۲ق: ج ۱۴، ۳۶۶) محله‌ی کرخ، آن را با سنگ مرمر سنگ‌فرش کرده و با آهک، مرمت و نوسازی نمود. آنگاه، این محل تعمیر شده را به دارالعلم تبدیل کرده و دانشمندان معتبر آن عصر و نیز نفیس‌ترین کتاب‌های نوشته شده توسط خطاطان مشهور را به آن‌جا منتقل کرد (ابن اثیر، ۱۹۸۷م: ج ۵، ۵۰۴) و آن را با کتابخانه‌ی بزرگی که داشت، وقف علاقمندان کسب دانش نمود (ابن الجوزی، ۱۴۱۲ق: ج ۱۴، ۳۶۶؛ ابن کثیر، ۱۹۶۶م: ج ۱۱، ۳۳۳). تعداد کتاب‌های این کتابخانه را ده هزار و چهار صد، جلد ذکر کرده‌اند (ابن اثیر، ۱۳۵۱: ج ۷، ۳۲۴). که صد نسخه از این تعداد، قرآن‌های نگاشته شده توسط افراد مختلف خانواده‌ی خطاط مشهور، بنی مقله بودند (ابن الجوزی ۱۴۱۲ق: ج ۷، ۱۷۲؛ ابن اثیر، ۱۹۸۷: ج ۸، ۸۸). علاوه بر کتاب‌های مذهبی متعدد، مجموعه کاملی از کتاب‌های صرف ونحو، فلسفه، طب، نجوم و زمین‌شناسی در این کتابخانه وجود داشت. باوجود اینکه کتابخانه وقفی بود، هر کتابی به این محل راه نمی‌یافت، فقط کتاب‌های ارزشمند از محققان برجسته به مجموعه اضافه می‌شد (ذهبی، ۱۹۸۳م: ج ۱۷، ۳۸۷؛ ابن کثیر، ۱۹۶۶م: ج ۱۲، ۱۹). اگرچه این کتابخانه، کتابخانه‌ای شیعی بود و به وسیله شیعیان اداره می‌شد ولی در آن به دور از تعصب به روی همه محققان و همه مسلمانان باز بود (معری، ۱۴۰۴ق: ۵۲).

نکته‌ی حائز اهمیت این که اکثر کتاب‌های این کتابخانه، به خط بزرگان و معاریف علمی بود (ابن کثیر، ۱۹۶۶م: ج ۱۱، ۳۵۷). این مطلب حاکی از آن است که کتابخانه‌ی شاپور بن اردشیر، از نظر علمی منزلت رفیع و بالایی داشته و هر کتابی را مورد پذیرش قرار نمی‌داده‌است. با تأسیس دارالعلم شاپور در ۳۸۱ ق و شهرت روزافزونش، بسیاری از دانشمندان و ادیبان بزرگ روزگار جلب آن شدند. با حمایت و عنایت آن‌ها و از طریق هدایای علمای آن دوره، سرمایه‌ی این دارالعلم، به سرعت افزایش یافت. این دانشمندان، داوطلبانه، نگاشته‌های معروف خود و حتی شاهکارهای‌شان را وقف کتابخانه‌ی دارالعلم می‌کردند، چنانکه به نوشته‌ی ابن ابی اصیبعه، پزشکی به نام جبرئیل بن عبیدالله بن بختیشوع، رساله‌ی بزرگ خود در طب به نام الکناش در پنج مجلد را به دارالعلم مزبور اهدا کرد (ابن ابی اصیبعه، بی‌تا: ۲۱۲؛ قفطی، ۱۳۴۷: ۱۵۰). نویسندگانی همچون احمد بن علی کتبی و جبرئیل بن بختیشوع کتابهای بسیاری به این کتابخانه هدیه داده بودند (یاقوت حموی، ۱۴۰۰: ج ۱، ۲۴۲).

از این توصیفات چنین برمی‌آید که این بنا نه تنها دارالعلم بلکه مرکزی برای تعلیم و تربیت محسوب می‌شده و مانند دارالحکومه مامون مرکز تالیف و ترجمه و استنساخ کتب و تکثیر نسخه‌های انحصاری بوده است. کتابخانه دارالعلم شاپور از غنی‌ترین کتابخانه‌های اسلامی حتی در دوره‌های بعد به شمار می‌رود. زیرا همزمان با عصر نهضت علمی تأسیس شد و با کمک مردم شیعه که از ثروتمندان بغداد بودند و کتابخانه را از آن خود می‌دانستند تکمیل شد. کتابهای این دارالعلم به دست پیشوایان علوم و متقدمین نوشته شده بود. زیرا تنها دو قرن از آغاز تدوین علوم در اسلام گذشته بود که این کتابخانه تأسیس شد و در طول این دو قرن گرانی و کمیابی کاغذ، نسخه برداری از کتب بسیار محدود بوده است. لذا بخش عمده‌ای از ده هزار جلد کتاب به خط مولفان بوده و به اصطلاح نسخه اصلی در آن کتابخانه بود که باعث افزایش اهمیت کتابخانه این دارالعلم می‌باشد (ابن الجوزی، ۱۴۱۲: ج ۷، ۱۷۲؛ ابن اثیر، ۱۹۸۷: ج ۸، ۸۸۸).

از افرادی به عنوان خازنان این کتابخانه نام برده‌اند که به عنوان مثال می‌توان از محمد بن موسی خوارزمی نام برد که از سوی شاپور به عنوان مشرف کتابخانه تعیین شده بود

(خطیب بغدادی، بی تا: ج ۱۳، ۲۴۷). همچنین ابو احمد عبدالسلام بن حسین بصری، ملقب به واجکا که از دوستان نزدیک ابوالعلا معری بود (همان، ۵۸) و ابومنصور محمد بن علی بن اسحاق بن یوسف کاتب نیز به عنوان کتابداران کتابخانه‌ی دارالعلم شاپور، معرفی شده‌اند (همان، ۹۳؛ معری، ۱۹۸۸م: ۱۷۰). این کتابخانه در فرجام کار خود به دارالکتب قدیم معروف شد (ابن خلکان، بی تا: ج ۲، ۱۰۰).

با توجه به مباحث فوق می‌توان نکاتی چند در خصوص تأثیر دارالعلم و کتابخانه‌ی شاپور بن اردشیر در تولید علم و دانش در آن عصر به‌عنوان نتیجه‌ی بحث یادآوری کرد:

۱. آن وزیر علم دوست، طی دوران طولانی وزارت خویش، با آگاهی به اینکه یک دانشجو برای تکمیل و شکوفایی استعداد خود بیش از هر چیز به کتابخانه‌ای مجهز احتیاج دارد توانست نقش موثری در گسترش این دارالعلم ایفا نماید.

۲. آوازه کتابخانه‌های سامانیان در خراسان و عضدالدوله در شیراز و توصیف این کتابخانه در نزد شاپور باعث جرقه فکرتاسیس یک دارالعلم و خزانه در ذهنش شد، لذا براین باور شد که برای تحقق آرزویش باید کتاب، اسباب کار اهل دانش، از انحصار ناهلان بیرون آید. در نتیجه از آغاز با ثروت و مکتب پدر و سپس با مال و اعتبار خود به تهیه و جمع‌آوری کتاب پرداخت.

۳. تشیع شاپور و علاقه‌ی وی به علمای شیعه و ایجاد کتابخانه در محله‌ی شیعی نشین کرخ، موجب تشویق عالمان شیعی به جمع‌آوری احادیث و تدوین کتب اربعه حدیث شیعه گردید.

۴. ثروت و موقعیت شاپور و کتاب دوستی و کتاب‌شناسی وی در طول دوران وزارت و استفاده از کلیه وسایل و امکانات که در جمع‌آوری و تهیه این گنجینه استفاده می‌کرد. جمعی به خاطر بدست آوردن پول، کتب نایب را به او می‌دادند و گروهی با تألیف کتب و اهدای آن به این وزیر دانش دوست طالب ترفیع حال و بدست آوردن مال بودند. علاوه بر این هر کتاب منحصر به فردی را با تقاضا از صاحبش به خزانه منتقل یا از آن نسخه‌برداری می‌کرد.

۵. عمومی بودن دارالعلم و شهرت و حسن نیت شاپور موجب ترغیب عده‌ای از اهل علم به وقف کتاب شد. همچنین مولفانی که می‌ترسیدند پس از مرگ آثارشان نیز رهسپار نیستی شود، کتابهای خود را به کتابخانه اهدا می‌کردند تا نام و آثارشان زنده بماند.

۶. دارالعلم شاپور در دوره خود، حریم امن علوم عقلی بوده است و در عین حال به پیشرفت علم صرف و نحو و فقه اللغة و سایر علوم عقلی مانند طب و نجوم و فلسفه و هندسه و علوم اوایل کمک می‌کرده است. این دارالعلم، به عنوان مؤسسه‌ای شیعی و با وجود اداره کنندگانی شیعی مذهب و کتابخانه‌ای مملو از آثار شیعی بدون وجود تعصب به روی همه دانشمندان باز می‌بوده و از آنان دعوت کرده که مراجعان را آموزش دهند.

دارالعلم شاپور در زمان خود، به نخستین مرجعی تبدیل شد که دانشمندان بزرگ، برای بهره‌گیری از اطلاعات دقیق و موثق، به آنجا می‌آمدند (کریمی زنجانی، ۱۳۸۹: ۶۵). شایان ذکر است، این دارالعلم، نقشی فراتر از یک خزانه‌الکتب همانند بیت‌الحکمه ایفا نمود، چرا که مجمع علماء و ادباء بوده است. ابوالعلاء معری از جمله بازدیدکنندگان آن بود. وی در فاصله سال‌های ۳۹۹-۴۰۰ ق. از عراق بازدید کرد و در مباحثات علمی که در این دارالعلم برقرار بود، شرکت نموده، و با بعضی علماء نظیر مغربی و ابوبکر صابونی دیدار نمود، وی در جلسه سخنرانی‌ای که عالم نحوی، ابوالحسن رباعی ایراد نمود، حضور داشت (ابن کثیر، ۱۹۶۶م: ج ۱۱، ۳۱۲؛ ابن خلکان، بی‌تا: ج ۱، ۱۱۴). این فیلسوف و شاعر زندیق از این دارالعلم به بزرگی یاد می‌کند و از این که نتوانسته مدت بیشتری در آن بماند اظهار تأسف می‌کند (معری، ۱۴۱۰ق: ۱۲۸).

نحوه اداره دارالعلم شاپور

اداره دارالعلم شاپور نیز مانند دیگر دارالعلم‌های زمان خود از سویی به مدیریت عالیه آن و از سویی دیگر به شیوه اداره فنی آن مربوط می‌شده است. مدیریت عالیه مشتمل است بر اداره و تولید که مؤسسه را تغذیه می‌کرده است. اداره کلی کتابخانه به مدیریت فنی مربوط بوده که به طور مستقیم با کتابدار وزیردستان آنها در ارتباط بوده است (کریمی زنجانی، ۱۳۸۹: ۶۶). پس از تأسیس دارالعلم، شاپور فهرستی برای کتابخانه‌ی دارالعلم تهیه کرده

(سبط ابن جوزی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۱، ۱۸۵). و مدیریت عالی به آن را به سه نفر سپرد: ابوالحسن محمد بن حسین ابن ابی شیبان معروف به شریف (ابن عماد، ۱۴۱۰ق: ج ۳، ۱۰۴). فردی علوی به نام ابوعبدالله محمد بن احمد حسینی بطحاوی و ابوعبدالله حسین بن هارون ضبی، قاضی وقت بغداد (کبیر، ۱۳۸۱: ۲۷۹-۲۸۰). پس از فوت شاپور، تصدی و نظارت این دارالعلم به شریف مرتضی (صفدی، ۱۴۱۰ق: ج ۸، ۱۱۳)، ابوالقاسم علی بن حسین بن موسی رسید و این کتابخانه، به پایگاه مهمی برای گسترش مذهب تشیع، مبدل گردید (ابن خلکان، بی‌تا: ج ۲، ۱۰۰).

در دارالعلم شاپور افرادی به این شرح مشغول به انجام وظیفه بوده‌اند: سه نفر مدیر اداری که شورای کتابخانه را تشکیل می‌دادند، یک کتابدار و زیردست او، یک خدمتکار زن و به احتمال، چند نفر نساخ (کریمی زنجانی، ۱۳۸۹: ۶۸). سال‌ها پس از وفات شاپور بن اردشیر، نگهداری و نظارت بر دارالعلم، برعهده‌ی سید مرتضی قرار گرفت (یاقوت حموی، ۱۴۰۰ق: ج ۱۷، ۲۶۷-۲۶۸). یکی دیگر از کتابداران آن عصر، عبدالله احمد اصفهانی مشهور به ابومحمد خازن بود که در نزد صاحب بن عباد به دلیل استعداد و طبع شاعرانه و علوم و فنون آموخته، به چنین جایگاهی دست یافته بود. علاوه بر این دختری به نام توفیق به عنوان وابسته در این مکان کار می‌کرده است. به طوری که ابوالعلاء معری در رساله الغفران در این باره می‌نویسد که کنیزی به خدمتگزاری سرگرم کار بود و بر زبان این سخن می‌راند: دانی من کی ام ای علی بن منصور؟ من توفیق سیاهم که در دارالعلم بغداد به روزگار ابومنصور محمد بن علی، سرپرست کتابخانه کار می‌کردم. کاری که وابسته‌ی کتابخانه می‌کرد نزدیک به کار بود که خدمتگذار انجام می‌داد زیرا دستورها با واژه‌ای مستخدم یا سراپدار همسایه است و برای جدایی میان این دو خدمتگذار مستخدم می‌گفتند تا او را که حلقه‌ی پیوستگی میان خوانندگان و کتابها بود، با مستخدم که به پاکیزه کردن ابزار کتابخانه‌ها می‌پرداخت اشتباه نگیرند (ابوالعلاء معری، ۱۹۸۸: ۷۳).

از افراد دیگری نیز به عنوان خازنان این کتابخانه نام برده‌اند که به‌عنوان مثال می‌توان از محمد بن موسی خوارزمی نام برد که از سوی شاپور به عنوان مشرف کتابخانه تعیین شده بود (خطیب بغدادی، بی‌تا: ج ۱۳، ۲۴۷). همچنین ابو احمد عبدالسلام بن حسین بصری، ملقب به واجکا که از دوستان نزدیک ابوالعلاء معری بود (همان، ۵۸) و ابومنصور محمد بن علی بن

اسحاق بن یوسف کاتب نیز به عنوان کتابداران کتابخانه‌ی دارالعلم شاپور، معرفی شده‌اند (همان، ۹۳؛ ابوالعلاء معری، ۱۹۸۸: ۱۷۰). کتابدار دیگری این دارالعلم، ابومنصور محمد بن احمد کرخی است که در سال ۵۱۰ هجری در سن ۹۲ سالگی یعنی ۶۰ سال پس از آتش زدن دارالعلم شاپوردر گذشته است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۲ق: ج ۵، ۳۸).

تأمین منابع مالی دارالعلم

این دارالعلم به عنوان مؤسسه‌ای وقفی توسط منابع مالی مختلفی حمایت می‌شده که عبارتند از دو ساختمانی که در محله کرخ به نام‌های دارالغزل (کارگاه بافندگی) و دار اصحاب اللب (محل برگزاری جشن‌ها و بازی‌ها) ساخته شده بود و درآمد حاصل از آنها برای رفع نیازهای دارالعلم در نظر گرفته شده بود. این درآمد، به جز تأمین حقوق کارمندان و نیازهای کتابخانه، به کار اسکان دادن و رفع نیاز مراجعه‌کنندگان نیز می‌رسیده است. (کریمی زنجانی، ۱۳۸۹: ۶۸)

موقوفات این مؤسسه به حد کافی زیاد بوده، آن گونه که این مؤسسه از فراز و نشیب حیات بنیانگذار خود لطمه ندیده است، چرا که در زمان مرگ شاپور در (۴۱۶ق / ۱۰۲۵-۲۶م) این دارالعلم هنوز شکوفا بوده است. مشهود است که بخشی از وقفیات اصلی دارالعلم شاپور، شامل مجموعه بزرگی از کتب می‌شده که احتمالاً همان کتابخانه شخصی بنیانگذارش بوده است. گفته می‌شود کتابخانه این مؤسسه شامل ۱۰۴۰۰ جلد کتاب بوده که متون شاخه‌های مختلف ادبیات در آن موجود بوده است. در میان آنها صدها مصحف (این کلمه اغلب به صورت خاص برای نسخه‌های قرآن به کار رفته است) به دستخط دو برادر به نام بنومقله وجود داشته که نوشته‌های آنان از ارزش بالایی برای گردآورندگان کتاب برخوردار بوده است (ابن اثیر، ۱۹۸۷: ج ۸، ۸۸). روشن نیست که آیا این ارقام در مورد وقفیات اصلی شاپور به کار رفته یا در مورد اندازه مجموعه در زمان حریق. به هر حال، کتابخانه دارای کتب نفیس زیادی بوده است.

وقفیات شاپور هزینه اداره مؤسسه و به احتمال قریب به یقین نیازهای برخی از دانشمندان را که به مؤسسه رفت و آمد داشتند تأمین می‌کرده است. او نسبت به شعرا آن

قدر سخاوتمند بود که فصلی از یتیمه الدهر ابومنصور ثعالبی به مدیحه سرایان وی اختصاص یافته است. همان گونه که ذکر شد ابوالعلاء معری، شاعر نابینای اهل سوریه که عموماً وی را یک متفکر آزاداندیش تلقی می‌کنند، در زمره ادبا و موسیقی دانانی بود که دارالعلم شاپور را به یکی از مراکز اصلی حیات فرهنگی بغداد مبدل کرده بود. ابوالعلاء پیش از آن که باقی عمر را در خانه خویش در معره سوریه عزلت‌گزیند، حدود یک سال و نیم (۱۰۹-۱۰۰م) در بغداد به سر برد. تعدادی از نامه‌های وی که پس از بازگشت به سوریه نوشته شده‌اند، بیانگر آرزوی وی برای بهره‌مندی مجدد از فرصت‌هایی هستند که در بغداد به ویژه در (دارالعلم) برای افراد مورد علاقه اش فراهم بود. در یکی از نامه‌هایش (ابوالعلاء معری، ۱۴۰۴ق: نامه شماره ۲۸، ۱۹) خطاب به دوستش ابومنصور، متولی (یا به زعم یاقوت کتابدار) دارالعلم می‌نویسد کسانی که در صدد عیب‌جویی از وی هستند می‌گویند: (آیا عشق تو به دارالعلم از احساسی معقول ریشه می‌گیرد یا از حس سبک سرانه؟) در نامه شماره هفت، خطاب به دایی خود با اشاره به اشتیاق خود برای رفتن به بغداد می‌گوید: (این کتابخانه است که مرا به آن جا می‌کشاند). (ابوالعلاء معری، ۱۴۱۰: ج ۲، ۵۱) در یکی از قصایدش آمده که: [وَعَنْتَ لَنَا فِي دَارِ سَابُورٍ قَنِيهَ مِنْ الْوَرَقِ مَطْرَابِ الْاِصْائِلِ مِيهَالِ] (و در دار سابور زن آوازه‌خوان بشاشی با آوایی به خوش‌الحانی کیوتر، جان تازه‌ای به غروب ما بخشید). (معری، ۱۴۰۴: ۳۴).

این بیت ظاهراً اشاره به نوعی تفریح دارد که این وزیر و نیز دیگر حامیان هنر را از آن بسیار خوش می‌آمده است (همانجا). در چنین مواقعی شعرا قصاید خود را برای بانیان می‌خواندند، نوازندگان آواز سر می‌دادند و می‌نواختند و ادبا به مناظره می‌پرداختند. شگفت نیست که ابوالعلاء دلتنگ چنین محافل درخشانی شده و آرزوی حضور مجدد در آن‌ها را داشته است. محافلی که در آن‌ها اشعارش مورد استقبال و طبع لطیف زیرکانه‌اش مورد احترام قرار می‌گرفت (حماده، ۱۳۹۸ق: ۱۳۰-۱۳۲).

سرانجام دارالعلم شاپور

شاپوربن اردشیر، دشمنان بیشماری داشت و یکی از گروه‌های مخالف او، خاندان بنی عبدالرحیم در زمان وزارت خود او با حمله به این دارالعلم، برخی از نسخه‌های خطی نفیس کتابخانه آن رابه غارت بردند (کریمی زنجانی، ۱۳۸۹: ۷۰).

مؤلفان در باب تاریخ ویرانی آن نیز همچون تاریخ تأسیسش اختلاف نظر دارند. این دارالعلم همواره در معرض نفرت اهل سنت قرار داشت تا در سال ۴۵۱ق^۱ و در پی اتحاد خلیفه‌ی عباسی با طغرل سلجوقی، اهل سنت به واسطه قدرتی که این اتحاد به آنها بخشید، به محله کرخ حمله‌ور شده، با قتل عام شیعیان و غارت اموال آنها، این دارالعلم را نیز به آتش کشیدند (بنداری اصفهانی، ۱۳۵۶: ۲۲). منابع آورده‌اند که بعد از اطفای حریق، عمیدالملک کندی، وزیر طغرل، به محل دارالعلم آمده و دستور داد جمعیت سنی در حال غارت اموال را دور کنند، سپس شخصاً بهترین آثار سالم مانده را انتخاب کرده، به خراسان فرستاد (ابن اثیر، ۱۳۵۱: ج ۶، ۲۹).

یاقوت تصدیق می‌کند که کتاب‌ها در ۴۴۷ق/۱۰۵۵م زمانی که طغرل بیگ سلجوقی وارد بغداد شد، سوزانده شدند (یاقوت حموی، ۱۳۹۹ق: ۵۳۴). اما به زعم ابن اثیر در الکامل و به زعم بنداری، این دارالعلم از تاراج و ویرانگری سربازان سلجوقی جان سالم به در برد، اما در آتشی که به سال ۴۵۱ق/۱۰۵۹م در محله کرخ درگرفت طعمه حریق شد (ابن اثیر، ۱۹۷۸: ج ۸، ۸۸).

یاقوت جزئیات حریق را بیان نکرده، اما از گفته‌های بنداری و ابن اثیر می‌توان دریافت که همه کتاب‌ها از بین نرفته‌اند. نه تنها عامه مردم در تاراج این گنجینه غنی کتاب سهیم بودند، بلکه عمیدالملک کندی که ادوارد براون او را یک دانشمند برجسته عرب توصیف کرده نیز در غارت گنجینه‌های عالی آن به خود تردید راه نداد. ابن اثیر درباره ویرانگری و خودخواهی کندی چنین می‌گوید: (وه که چه تفاوتی است میان کردار او و کردار نظام

۱- اکثر منابع، سال این رخداد را ۴۵۱ق گفته‌اند. به نظر می‌رسد یاقوت به اشتباه آن را سال ۴۴۷ق دانسته است.

الملک که مدرسه‌ها بنا نهاد و علوم را در بلاد اسلام گردهم آورد و کتاب‌ها و چیزهای دیگر را وقف کرد (همانجا).

دارالعلم ابن سوار

دارالعلم دیگری که از شهرت خوبی برخوردار بود، دارالعلم ابن سوار در بصره است. ابوعلی بن سوار کاتب، در شهر بصره در سده چهارم هجری دارالعلمی ساخته و کتابخانه‌ای به آن افزود. این مکان در قرن ۴ ق. بنا نهاده شد. او از معاصرین ابن ندیم و از دوستداران کتاب و کتابخانه بود. مقدسی در احسن‌التقاسیم، درباره‌ی این دارالعلم نوشته است: «رامهرمز مانند بصره و ری کتابخانه با موقوفات دارد که کارمندانش در خدمت واردان، کتابخوانان و کتاب نویسان هستند. کتابخانه‌ی بصره نسبت به کتابخانه‌ی رامهرمز «بزرگتر، آبادان‌تر و پر کتاب‌تر» است و هر دو را ابن سوار بنیاد نهاده است. او همچنین می‌گوید: برای هر کسی که به آن‌جا می‌رود و پیوسته به خواندن و استنساخ کتاب‌ها می‌پردازد، کمک‌های مالی در نظر گرفته می‌شود. دانشجویان برای بهره‌وری از این کتابخانه شگفت‌انگیز بدان‌جا می‌آمدند و در سر درس استادی که همیشه کلام مذهب معتزلی را می‌آموخت شرکت می‌کردند (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۶۱۷).

از سخن مقدسی چنین برمی‌آید که این مؤسسه با داشتن یک استاد دائمی از ویژگی‌های یک کتابخانه به معنای عام آن فراتر رفته و می‌توان آن را هم‌ردیف دارالعلم ابن حمدان دانست. (کریمی زنجانی، ۱۳۸۹: ۵۶) با این حال ابن ندیم این مؤسسه را خزانه‌الکتب (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۱۵۴) و مقدسی دارالکتب نامیده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۴۱۳).

در مقامات حریری نیز به کتابخانه این دارالعلم، اشاره شده، می‌گوید: «هنگامی که به زادگاهم برگشتم از کتابخانه‌ای محلی دیدن کردم که انجمن دوستداران ادب بود و دیدارگاه بومیان و بیگانگان؛ آنگاه مردی درآمد با ریشی انبوه و چرکین و ژنده پوش، کسی به او اعتنایی نکرد، ولی همین که زبان به سخن گشود، همگان شیفته‌ی دانش او شدند و از سخنانش به شگفت آمدند» (حریری بصری، ۱۳۶۵: ۱۳).

به رغم اینکه در منابع موجود از منابع مالی این دارالعلم سخنی به میان نیامده است، اما از پرداخت ماهیانه توسط موسس آن به دانشجویان و مراجعه کنندگان آن برای مطالعه و استنساخ کتاب اطلاعاتی موجود است (کریمی زنجانی، ۱۳۸۹: ۵۷). در باب طبقه‌بندی کتابهای این دارالعلم نیز طبق گفته ابن ندیم چنین برمی‌آید که در کتابخانه آن کتابهای زیادی در موضوعات متعددی وجود داشته است. از جمله ادب، امثال نبی، قصص، کلام معتزلی، گیاه شناسی و هواشناسی. طبق این گزارش موسس آن تا سال تألیف الفهرست زنده بوده است (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۱۵۴-۱۷۷).

کتابخانه ابن سوار را نخستین کتابخانه وقفی دانسته‌اند. به گزارش ابن اثیر، این کتابخانه در ۴۸۳ ق. دچار آتش سوزی شد و از بین رفت (ابن اثیر، همان، ج ۱۷، ۱۶۰). ابن جوزی نیز در المنتظم به این واقعه اشاره دارد (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۹، ۵۳).

دارالعلم سید رضی

علاوه بر دارالعلم فوق، باید از دارالعلم دیگری نیز یاد کرد که توسط سید رضی، برادر کوچکتر سید مرتضی بنیان گذاشته شد. او در سال ۳۵۹ ق در بغداد به دنیا آمد و از همان دوران طفولیت در فراگرفتن علوم و فنون بسیار حریص بود. سید رضی از آموختن، از هر کسی که می‌توانست او را بهره‌مند سازد، خودداری نمی‌کرد و در این خصوص میان شیعه و سنی و مسلمان و کافر فرقی نمی‌گذاشت. سید رضی به همراه برادر بزرگش سید مرتضی، نزد استادان معروف آن زمان یعنی قاضی عبدالجبار معتزلی، سیرافی، شیخ مفید و دیگران علوم و فنون مختلف و متداول عصر خویش را آموخت. او در سال ۳۹۶ ق از طرف بهاءالدوله به نقابت طالبیان عراق منصوب شد و لقب «رضی ذی الحسین» گرفت (ابن اثیر، ۱۳۵۱: ج ۳۰، ۱۵). با این حال از نوشتن رسائل و تألیف و تصنیف و نیز از سرودن شعر غفلت نرزد. سید رضی به هنگام تعلیم شاگردانش چون شور و اشتیاق فوق‌العاده آن‌ها را به کسب علم و دانش مشاهده نمود، تصمیم گرفت مکان مشخصی برای آنها فراهم آورد. وی آن مکان را «دارالعلم» نام نهاد (گورگیس عواد، ۱۴۰۶: ق: ۲۳۱).

شریف رضی لوازم مورد نیاز این دارالعلم را فراهم نمود و به آن، دو خزانه الحاق کرد؛ یکی برای کتاب‌ها و دیگری برای لوازم مورد احتیاج طلاب (همان، ۲۳۱؛ ابن عنبه، ۱۳۹۰: ۱۷۲). او همچنین برای دارالعلم مذکور، کتابخانه و خزانه‌ای با کلیه‌ی وسائل و لوازم فراهم کرد و مایحتاج طلاب را در خزانه‌ی دارالعلم جمع نمود، و به تعداد آن‌ها کلیدهای تکثیر کرد و در اختیارشان قرار داد (شریف رضی، ۱۴۰۶ق: ۲-۳). تا هر زمان که چیزی لازم داشتند شخصاً به انبار مراجعه کرده، خواسته‌ی خویش را تأمین نمایند (موسوی، ۱۳۸۱: ۱۷۵). با این که او سمت خزانه‌داری دارالعلم را به ابو احمد عبدالسلام بن حسین بصری که در علم تقویم بلدان آوازه بود، سپرد، مع‌الوصف برای این که به طلاب و دانشجویان دارالعلم شخصیت و استقلال بدهد، برداشت نیازمندی‌ها را نیز به خود آن‌ها واگذار نموده بود. همچنین از خزانه داری شخصی شریف الدین هزینه‌های کامل دانشجویان پرداخت می‌شد (همانجا).

دارالعلم سید رضی کتابخانه‌های هم داشته است و کتب مورد نیاز طلاب را در آن گردآورده بود تا دانشجویان این دارالعلم از لحاظ مطالعه و مراجعه به منابع بی نیاز باشد (شلی، ۱۳۶۱: ۱۵۶). این مرکز نیز بزودی به میعادگاه مردان علم و ادب مبدل شد. ابوالعلاء معری در این مکان با بسیاری از فضایی‌های زمان محاوره داشته و در کتاب‌های مختلفش به این مذاکرات اشاره کرده است (یاقوت، ۱۴۰۰: ج ۶، ۵۳۹).

از این توصیفات چنین برمی‌آید که این دارالعلم از یک ساختمان با بخش‌هایی تشکیل شده بود که عبارتند از: ۱. محل سکونت شاگردان، ۲. کتابخانه، ۳. تالاری جهت برگزاری درس و مباحثه، ۴. انبار شامل کلیه نیازهای روزمره شاگردان. در باب نحوه مدیریت این دارالعلم نیز باید اشاره کرد که مدیریت عالی آن برعهده خود شریف رضی بوده و کتابدار آن از میان شاگردان برجسته دارالعلم بوده است. همچنین یک انباردار نیز در آنجا مشغول به کار بوده است (شریف رضی، ۱۴۰۶ق: ۳).

گویا حیات علمی این دارالعلم پس از وفات وی با سرپرستی برادرش، سید مرتضی ادامه یافت و دانشمندان بزرگواری همچون شیخ الطایفه، شیخ طوسی فقیه و متفکر نامدار شیعه از این مدرسه برخاستند و به کمال رسیدند.

دارالعلم سیدمرتضی

یکی دیگر از دارالعلم‌های دوران آل بویه که کتابخانه‌ی آن نقش مؤثری در رشد علم و دانش در عصر خویش داشت، دارالعلم سید مرتضی در بغداد بود. ابوالقاسم علی بن حسین ملقب به علم‌الهدی از علمای برجسته و مشهور شیعه در سال ۳۵۵ق در بغداد مرکز خلافت عباسی متولد شد (ابن اثیر، ۱۳۵۱: ج ۱۶، ۲۳۱). او بعد از استادش شیخ مفید، زعامت شیعیان و حوزه‌های علمی شیعی را به دست گرفت.

در زمان سید مرتضی شهر بغداد در مدتی کوتاه شاهد گسترش علم و ادب بود. در آن روزگار شیفتگان دانش و معرفت از دورترین نقاط جهان به آنجا می‌آمدند تا از محضر استادانی چون سید مرتضی توشه‌ای گرفته، به دیار خود بازگردند و اقوام خود را ارشاد نمایند. در ظاهر هیچ مشکلی برای تحصیل علوم و معارف انسانی و اسلامی فرا روی آنان دیده نمی‌شد جز فقر و تنگدستی افراد- بویژه در سالهایی که قحطی شدید در شهر رخ نمود و مردم از جمله دانش پژوهان را در تنگنا و سختی قرار داد. در آن سالها طلاب بیش از دیگران برای تأمین زندگی و نیازمندیهای تحصیلی خود در زحمت بودند و کتابخانه‌ای نیز در آن زمان در شهر وجود نداشت. سید مرتضی تصمیم گرفت بخشی از خانه‌ی خود را به اهل علم اختصاص دهد تا شاگردان و دانش‌پژوهان با استفاده از آن و کتابخانه‌اش، به تحقیق، مطالعه، مذاکرات علمی و تألیف بپردازند. آن مرکز، بعدها «دارالعلم» نامیده شد. در آن خانه افراد با گرایش‌های مذهبی و سیاسی متفاوتی شرکت داشتند. او با جمع‌آوری کتابهای زیاد توانست کتابخانه بزرگی تاسیس کند که ارزش کتابخانه وی را پس از درگذشتش سی هزار دینار طلا برآورد کرده‌اند. ابوالعلاء معری وی را عصاره بشر و خانه او را خلاصه عالم معرفی کرده است (طبرسی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۳۲۹ و ۳۳۴).

او علاوه بر تبدیل خانه‌ی خویش به دارالعلم، به شاگردان خود مقرری نیز می‌پرداخت (دوانی، ۱۳۶۳: ج ۳، ۲۸۵). به گفته‌ی ابن حجر، کتابخانه‌ی سید مرتضی، هشتاد هزار جلد کتاب داشته است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۲: ج ۵، ۱۹). همچنین در جایی دیگر ابن حجر می‌گوید که دارالعلم سید مرتضی محل بحث، مناظره و جدل بود (همان، ج ۴، ۲۵۷).

کار ارزشمند دیگری که سید مرتضی در این زمینه انجام داد این بود که یکی از روستاهای متعلق به خود را برای تأمین کاغذ دانشمندان و فقها وقف نمود و مخارج زندگی شاگردان را نیز از درآمد املاکش می‌پرداخت. البته معلوم نیست املاکی که سید در اختیار داشته از ملک شخصی خود وی بوده یا نه، به احتمال زیاد این اموال متعلق به بیت المال بوده و سید مرتضی آنها را در جاهای مناسب از جمله در راه پیشبرد اهداف اسلام و تربیت شاگردان و رسیدگی به نیازمندان جامعه هزینه می‌نموده است. البته ناگفته نماند شخصیت اجتماعی وی به همراه تمکن مالی اش، امکانات بسیاری را در اختیار او نهاده بود (ابن اثیر، ۱۳۵۱: ج ۹، ۲۶۳).

سیدمرتضی نیز - همان‌گونه که گذشت - منزل خود را به کتابخانه مجهز کرد. از آثار بر جای مانده تاریخی و ادبی و کلامی برمی‌آید که مجلس درس و بحث سید مرتضی که در دارالعلم او برگزار می‌شد، پایگاه و محور اندیشه زمانه و مرکز بحث‌های ادبی و فقهی و کلامی بود. چنان‌که ابوالعلاء معری هنگام اقامتش در بغداد، همواره در این جلسات شرکت کرده و میان او و سید مرتضی بحث‌های جالبی در می‌گرفت (کریمی زنجانی، ۱۳۷۸: ۴۶۳). ابواسحاق صابی (م ۳۸۴ق) و عثمان بن جنی موصلی (م ۳۹۲ق) نیز از ملازمان مجلس سید بودند که همه از بزرگان و سر آمدان ادب روزگار به شمار می‌آوردند.

نتیجه‌گیری

دارالعلم‌ها در دوره آل بویه به منظور گردآوری علما و دانشمندان به وجود آمد که در آنجا، در کنار تخصص‌های خود، کتابهای حکمت را مطالعه کنند و در مورد موضوعات عقلی و عملی به بحث بپردازند. دارالعلم‌ها در کنار کتابخانه‌های عظیم آل بویه، کارهای علمی و آموزشی نیز انجام می‌داد. از این نظر می‌توان آن را از بزرگ‌ترین مراکز علمی قرن چهارم به شمار آورد. همچنین یکی دیگر از کارکردهای این دارالعلم‌ها این بود که درهای دارالعلم را بر دانشمندان بزرگ می‌گشودند تا آنان در آنجا جلسات خود را برگزار کرده، و عقاید خود را به افرادی که برای این هدف انتخاب شده بودند، بیاموزند. از جمله این افراد می‌توان از ابوالعلاء معری نام برد. برای کسانی که در دارالعلم مشغول تحصیل و تدریس بودند،

مستمری و حقوقی در نظر گرفته می‌شد تا نیاز مالی جلوی پیشرفت و گسترش علم و دانش آنان را نگیرد.

دارالعلم‌های دوران آل بویه به عنوان مؤسسه‌ای شیعی و با وجود اداره کنندگانی شیعی مذهب و کتابخانه‌ای مملو از آثار شیعی بدون وجود تعصب به روی همه دانشمندان باز بوده و از آنان دعوت کرده که مراجعان را آموزش دهند و در واقع همین ویژگی شیعی بودن نیز سرانجام موجبات نابودی آنان را فراهم ساخت. عمر این قبیل مراکز نوعاً کوتاه و دوام و استمرار فعالیت‌های آنها به دوام و استمرار جنبش‌های شیعی (اسماعیلی) مرهون و متکی بوده است. از آن هنگام که استیلای حکومت فاطمیان بر جهان اسلام و حتی موجودیت آنان در محدوده مصر به ضعف و سستی گرایید و در سرزمین‌های شرقی اسلام نیز بویه‌پیان شیعی مذهب از ایستادگی و مقاومت در برابر دشمنان خویش، یعنی سلجوقیان ناتوان گردیدند، دارالعلم‌های شیعی نیز قدرت و نفوذ خود را به سبب فرار و اختفای هوادارانش در میدان‌های سیاسی و اجتماعی جامعه به کلی از دست داد. چنان شد که قرن پنجم هجری، شاهد شکست مذاهب شیعه و پیروزی اهل سنت و از بین رفتن دارالعلم‌های شیعی بود.

منابع

- ابن ابی اصیبعه [بی‌تا]، *عیون الانباء فی طبقات الاطباء*، شرح و تحقیق نزار رضا، بیروت، دارمکتبه الحیاه.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۵۱)، *الکامل فی التاریخ*، ترجمه‌ی علی‌هاشمی حائری، ج ۵، ۶، ۹، ۱۵، ۱۶، ۱۷، تهران، شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.
- ----- (۱۹۸۷)، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق ابو الفدا عبدالله القاضی، ج ۵ و ۸، بیروت، دارالکتب العلمیه
- ابن الجوزی، أبوالفرج عبد الرحمن (۱۴۱۲ق)، *المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، ج ۷ و ۹، ۱۴، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین احمد بن علی (۱۴۱۲ق)، *لسان المیزان*، ج ۴ و ۵، بیروت، دارالاحیاء التراث.
- ابن خلکان [بی‌تا]، *وفیات الاعیان*، ج ۱ و ۲، تحقیق احسان عباسفردارصار للطباعة والنشر، بیروت.
- ابن کثیر، ابی الفداء الحافظ (۱۹۶۶م)، *البدایه و النهایه*، ج ۱۱ و ۱۲، بیروت، مکتبه المعارف.
- ابن عماد، عبدالحی بن احمد، (۱۴۱۰ق)، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، ج ۳، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن عنبه، جمال الدین احمد (۱۳۹۰)، *عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب*، تحقیق د.نزار رضا، نجف، منشورات المطبعة الحیدریه.
- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبای، (۱۳۶۰)، *تاریخ فخری*، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۶۶)، *الفهرست*، ترجمه‌ی محمدرضا تجدد، تهران، امیرکبیر.
- بنداری اصفهانی، ابوابراهیم (۱۳۵۶)، *زبدة النصره و نخبه العصره*، محمد حسین جلیلی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران
- حاج سید جوادی، احمد (۱۳۷۸)، *دائرة المعارف تشیع*، تهران، محبی.

- حریری بصری، ابومحمد قاسم بن محمد بن عثمان (۱۳۶۵)، *مقامات حریری*، ترجمه ی علی رواقی، تهران: مؤسسه فرهنگی شهید محمد رواقی.
- حماده، محمد ماهر، (۱۳۹۸ق)، *المکتبات فی الاسلام، نشأتها، تطورها، مصائرها*، بیروت، مؤسسه الرساله
- حموی، یاقوت (۱۳۹۹ق)، *معجم البلدان*، ج ۱، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- ----- (۱۹۶۵)، *معجم البلدان*، ج ۳، تهران، انتشارات اسدی.
- ----- (۱۴۰۰ق)، *معجم الادباء*، ج ۱، ۶ و ۱۷، [بی‌جا]، دارالفکر.
- خطیب بغدادی، حافظ ابی بکراحمد بن علی [بی‌تا]، *تاریخ بغداد*، ج ۱۳، [بی‌جا]، دارالفکر.
- دوانی، علی (۱۳۶۳)، *مفاخر اسلام*، ج ۳، تهران، امیرکبیر.
- دیوه جی، سعید، (۱۹۸۲م)، *تاریخ الموصل*، موصل، دارالکتب للطباعه و النشر.
- ذهبی، شمس الدین (۱۹۸۳م)، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۷، بیروت، مؤسسه الرساله.
- سبط ابن جوزی، (۱۴۰۲ق)، *مراه الزمان فی تاریخ الاعیان*، ج ۱، بیروت، عالم الکتب.
- شریف رضی، محمدبن حسین (۱۴۰۶ق)، *دیوان*، تهران، وزارت ارشاد اسلامی
- شلیبی، احمد (۱۳۶۱)، *تاریخ آموزش در اسلام*، ترجمه ی محمد حسین ساکت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صفدی، خلیل بن آیبک، (۱۴۱۰ق)، *الوافی بالوفیات*، ج ۸، بیروت، داراحیاء التراث.
- طبرسی، احمدبن علی، (۱۳۹۰)، *احتجاج*، ج ۲، وضعیت نشر: مشهد، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- طوطح، خلیل، (۱۴۰۳ق)، *التربیه عندالاسلام*، قاهره، بینا .
- عش، یوسف، (۱۳۷۲)، *کتابخانه های عمومی ونیمه عمومی عربی در قرون وسطی*، ترجمه اسدالله علوی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- عواد، گورگیس، (۱۴۰۶ق) *خزائن الکتب القدیمیة فی العراق*. بیروت، دارالرائد العربی.

- غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۷۷)، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ترجمه‌ی نورالله کسائی، تهران، دانشگاه تهران.
- قفطی (۱۳۴۷)، *تاریخ الحکما*، به کوشش بهمن دارابی، تهران، دانشگاه تهران
- کبیر، مفی‌الله (۱۳۸۱)، *آل بویه در بغداد*، ترجمه‌ی مهدی افشار، تهران، رفعت.
- کرمر، جوئل (۱۳۷۵)، *احیای فرهنگی در عهد آل بویه*، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- کریمی زنجانی، محمد (۱۳۸۹)، *دارالعلم‌های شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام*، تهران، اطلاعات.
- ----- (۱۳۷۸)، *مدخل «سید مرتضی»*، *دایرة المعارف تشیع*، ج ۹، زیر نظر صدر حاج سید جوادی، تهران، محبی.
- متز، آدام (۱۳۶۲)، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، بی‌جا، بینا.
- معری، ابوالعلاء (۱۹۸۸)، *رساله النفران*، شرح مفید قمیحه، بیروت، دار مکتبه الهلال.
- ----- (۱۴۱۰ق)، *دیوان سقط الزند*، ج ۲، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ----- (۱۴۰۴ق)، *رسائل ابوالعلاء معری*، بیروت، المزرعة بنایة الایمان.
- مقدسی، ابوعبدالله (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ج ۲، علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان.
- موسوی، حسن (۱۳۸۱)، *زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد*، قم، بوستان کتاب.
- نصر، حسین (۱۳۵۹)، *علم و تمدن در اسلام*، ترجمه احمد آرام، تهران، خوارزمی.